روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیرمسئول: مهدی گیوه‌کی

سه‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱ | ۱۸ محرم ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۲۸۴ | استان تهران و البرز ۴۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۳۵۰۰ تومان | Tuesday -August 16 ,2022

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

جام جم

امروز در تاریخ

■ زادروز شهریار پرهیزکار استاد و قاری قرآن/ ۱۳۴۳
■ زادروز رضا صادقی، خواننده موسیقی پاپ ایرانی/ ۱۳۵۸
■ عملیات کوچک عاشورای سه/ ۱۳۶۴
■ سالمرگ نادیا دلدار گلچین بازیگر سینما/ ۱۳۹۱

واحه

در قفس خیال تو تکیه زنم به انتظار
تا که تو بشکنی قفس پر بکشم به سوی تو

کمال جعفری

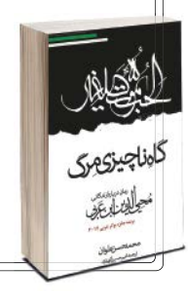
اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۳:۰۹	غروب آفتاب: ۱۹:۵۳
اذان مغرب: ۲۰:۱۲	نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۳
اذان صبح (فردا): ۰۴:۵۳	طلوع خورشید (فردا): ۰۶:۲۵

پیشخوان

گاه ناچیزی مرگ

گاهی آدمی برای مطلوب سفر می‌کند، درحالی که سبب مطلوب در خود اوست. این جمله از ابن‌عربی، سلطان‌العارفین و اندیشمند جهان اسلام است. رمان خواندنی «گاه ناچیزی مرگ» هم در حقیقت بازنویسی هنرمندانه زندگی‌نامه او به قلم محمدحسن علوان، نویسنده جوان عربستانی است. علوان در این کتاب با تکیه بر آنچه ابن عربی در «فتوحات مکیه» درباره خویش نقل کرده، اثری آفریده که نه‌تنها یک بیوگرافی کامل محسوب می‌شود، بلکه با روایتی جذاب و زبانی روان و شیرین، داستانی کامل و کم نقص است. کتاب شامل چند سِفْر است و از این جهت ما را به یاد ساختار کتاب‌های آسمانی می‌اندازد؛ اسفار. از دیگر سو، کل داستان به‌طور منظم توسط روایت‌های موازی شکسته می‌شود. گاه‌ناچیزی مرگ، داستان است و زاییده ذهن نویسنده. مترجم در مقدمه کتاب می‌گوید نویسنده از فصوص‌الحکم استفاده کرده اما درنهایت این خیال نویسنده است که داستان را پیش می‌برد. نویسنده نمی‌خواهد به‌شرح خاطره‌ای از ابن‌عربی بپردازد یا از مواضع و ایده‌های او انتقاد کند (کمااین‌که به‌دلیل اهل ریاض‌بودن نویسنده احتمال این قضیه می‌رفت)، بلکه روایتی تاریخی ارائه می‌دهد که شامل هم رویدادهای واقعی می‌شود و هم جزئیات خیالی. این کتاب بیشتر روایت تاریخ و جغرافیای ابن‌عربی است تا اصول و اعتقادات او و شاید همین موضوع باعث جذابیت آن شده باشد.





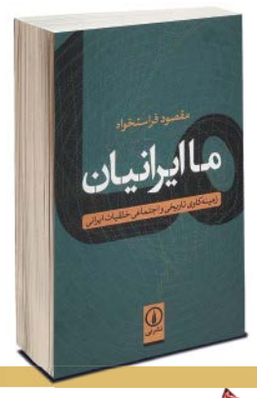
تک‌تازی ایرانی

آیا جامعه ایرانی فرهنگ کار جمعی و فعالیت مشترک گروهی ندارد؟



میثم اسماعیلی
روزنامه‌نگار

این‌که یک جامعه را بتوانیم به ویژگی‌هایی بشناسیم باید برآمده از یک پژوهش و رصد تاریخی باشد، به همان نسبت رد کردن یک خصیصه عمومی در یک جامعه هم باید استنادی برآمده از تحقیق و استدلال داشته باشد. چند روز پیش احمد وحیدی، وزیر کشور در نشست روز ملی مشارکت‌های اجتماعی، ادعای عجیبی را مطرح کرد. او در میانه گفته‌هایش به صراحت گفت: «یکی از القائات غلط به کشور ما این است که می‌گویند ایرانی‌ها بلد نیستند کار تیمی انجام دهند. این مورد قبول نیست، بسیاری کارهای بزرگ در کشور با کمک تیمی انجام شده‌است!» در نیم‌قرن گذشته یکی از موضوعات مورد علاقه پژوهشگران حوزه اجتماعی دقیقا این موضوع بوده‌است. این‌که جامعه ایرانی را می‌توانیم با چه خلقیاتی به یاد بیاوریم؟ ساده شده این سؤال، این است که اگر ژاپنی‌ها را به سختکوشی و آلمانی‌ها را به نظم و انضباط می‌شناسیم، ایرانی‌ها به چه خصایلی شهره هستند. یکی از اولین آثار در این حوزه برای رسیدن به یک دسته‌بندی رفتاری جامعه ایرانیان را محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در کتابی با عنوان «خلقیات ما ایرانیان» منتشر کرد. پس از او هم بودند افرادی که در آثارشان به جامعه‌شناسی خلقیات ایرانی بپردازند. یکی از آنها هم مسعود فراستخواه است که با بررسی مدخل‌های فراوان و پایشی در سفرنامه‌های سیاحان خارجی و... توانسته به شمایلی از خلق‌وخوی جامعه ایرانی دست یابد. با ذکر این نکته مهم که ابتدای کتاب هم تاکید شده است: «فرهنگ یک جامعه را نمی‌توان به خلقیات آن فروکاست». در بخشی از کتاب «ما ایرانیان» مسعود فراستخواه که حاصل پژوهش مفصلی در کندوکاو خلقیات ایرانی است از جامعه آماری نخبه (همه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور) سؤال شده اگر روحیات و خلقیات ایرانی بحث‌انگیز است، بیشتر به کدام مولفه‌ها از خلقیات ایرانی مربوط می‌شود؟ بالاترین جوابی که در بحث‌انگیز بودن خلقیات ایرانی دادند، «ضعف فرهنگ کار جمعی و فعالیت مشترک گروهی» است و البته در درجه بعدی «انتقادپذیری» قرار دارد، این‌که ایرانیان از انتقاد آزرده و ناراحت می‌شوند و عموما به دل می‌گیرند. همین یک نمونه کفایت می‌کند تا به نادرستی حرف‌های وزیر کشور در این زمینه پی ببریم. اما موضوع وقتی مهم می‌شود که بدانیم این تصور نزد یکی از مهم‌ترین وزرای دولت می‌تواند آسیب‌زننده باشد. چراکه همین تحلیل نادرست از اوضاع پیرامونی یک جامعه در ناکارآمدی تصمیم‌گیری‌های آینده موثر خواهد بود. این‌که جامعه ایرانی در کار جمعی موفق نبوده شرم‌آور نیست، نقصی است که می‌توان آن را با فرهنگ‌سازی در نسل‌های آینده ترمیم کرد. همین موضوع بارها مورد اشاره مقام معظم رهبری هم قرار گرفته‌است، به‌عنوان مثال ایشان در سال ۹۱ ضعف در فرهنگ کار جمعی را یک «آسیب» دانسته‌اند. یا به شکل آشکار و جامع‌تری در سال ۸۸ و در دیدار با استادان دانشگاه فرمودند: «می‌دانید ملت‌ها خصال ملی دارند. بعضی از ملت‌ها خصلتی دارند که خصلت عمومی است، بعضی از ملت‌ها خصلت‌های دیگری دارند که حالا مربوط به تاریخ و جغرافیا و اقلیم است و به عوامل گوناگونی وابسته است. ما این روحیه شور و شوق را، میل به تحقیق را، کنجکاوی را، خسته نشدن و پیگیری کردن را باید در ملت‌مان به وجود بیاوریم. این روحیه، کم است؛ نیست. کار جمعی هم که گفتند، همین جوراست؛ کار جمعی هم جزو خصال ملی ما نیست.»



حکمت

امام حسین(ع)

دانش، بارورکننده معرفت (شناخت) است.

أعلام‌الدین

نکته روز

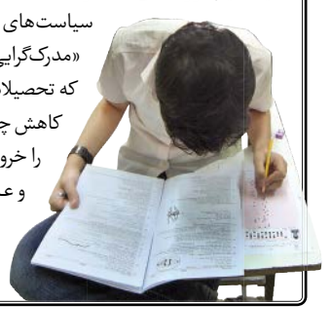
کنکوری‌ها آب می‌روند

چرا نیمی از کنکوری‌ها، قید حضور در دانشگاه را زدند؟

با چند روز تمدید بالاخره دیروز مهلت انتخاب رشته داوطلبان برای ورود به دانشگاه به اتمام رسید. دیروز اما مشاور سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرد: «تاکنون ۵۰۰ هزار نفر نسبت به انتخاب رشته در کنکور سراسری سال ۱۴۰۱ اقدام کرده‌اند.» این آمار وقتی جالب توجه است که بدانیم از تعداد یک میلیون و ۳۰۸ هزار داوطلب حاضر در آزمون، تعداد یک میلیون و ۱۵۷ هزار نفر مجاز به انتخاب رشته بودند و حالا خبر آمده کمتر از نیمی از آنها انتخاب رشته کرده‌اند، به این معنا که بیشتر داوطلبان کنکور که مجاز به انتخاب رشته بوده‌اند، قید حضور در دانشگاه را زده‌اند! البته که این رویه هم تازگی ندارد و حداقل در چهار سال اخیر میزان افرادی که بی‌خیال تحصیلات دانشگاهی شده‌اند، رو به افزایش است.

پرواضح است که دلیل کاهش تعداد افرادی که با وجود مجاز بودن، اقدام به انتخاب رشته نکرده‌اند، به یک مورد خلاصه نمی‌شود اما یکی از مهم‌ترین این دلایل را بالا گرفتن رقابت بر سر دانشگاه‌های برترمی‌دانند. دلیلی که هروقت صحبت از بیشتربودن تعداد صندلی‌های دانشگاهی نسبت به داوطلبان کنکور می‌شود، اساس وجود کنکور را به همین نکته مرتبط می‌دانند؛ این‌که کنکور دیگر به معنای قبولی در دانشگاه نیست، بلکه به مفهوم قبولی در یک دانشگاه معتبر است. در یک دهه گذشته هم افزایش رغبت به حضور در کنکور رشته علوم تجربی آن‌قدر بوده که حتی مسئولان قصد داشتند با اعمال سیاست‌های اجبارانه به نوعی در این حوزه تعادل ایجاد کنند. سیاستی که موفق نبود و همچنان تعداد داوطلبان کنکور تجربی به شکل معناداری از دیگر رشته‌ها بیشتر است. حالا هم که با کاهش انتخاب رشته داوطلبان مجاز در کنکور روبه‌رو هستیم، بسیاری این موضوع را مرتبط با داوطلبان رشته تجربی می‌دانند و معتقدند مهم‌ترین علت روند نزولی انتخاب رشته داوطلبان کنکور، تمایل افراد به تحصیل در رشته‌های خاص است. به این معنا که بیشترین داوطلبانی که از انتخاب رشته صرف‌نظر می‌کنند، مربوط به گروه آزمایشی تجربی است که اغلب به رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و برخی رشته‌های پیراپزشکی همچون فیزیوتراپی، پرستاری، شنوایی‌سنجی، گفتاردرمانی و کاردرمانی علاقه دارند.

بازار کار هم یکی دیگر از جاهای خالی پازل کنکور است و آمار همیشه در حال افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار، یکی از نشانه‌های این جای خالی است؛ فارغ‌التحصیلانی که با صرف چند سال از عمر و هزینه‌های گاه گزاف به تخصصی آکادمیک دست یافته‌اند که بازار کاری برای آنها متصور نیست. وضعیت معیشتی و درآمدی هم یکی دیگر از علت‌هایی است که پیوست شده به موضوع بازار کار، به این مفهوم که حالا داوطلبان کنکور و خانواده‌های‌شان در افق نگاه آینده‌شان دست روی رشته‌هایی می‌گذارند که علاوه بر بازار کار، از درآمد قابل توجهی هم برخوردار باشد و وقتی برای دستیابی به آن، شانسی متصور نیستند از قید حضور در دانشگاه می‌گذرند و البته از دیگر موارد مهم در این آمارها باید به تغییر نگرش عموم جامعه از مدرک‌گرایی به مهارت‌محوری یاد کنیم. از زمانه‌ای که مدرک سند افتخار بود، سال‌ها گذشته است. فرهنگی که از طریق اعمال سیاست‌های اشتباه به افراد جامعه تسری یافت و باعث رواج پدیده «مدرک‌گرایی» شد. حالا انگار جامعه ایرانی با واقعیتی روبه‌روست که تحصیلات دانشگاهی به هر قیمتی، در آن جایی ندارد. نه که کاهش چشمگیر داوطلبان متمایل به حضور در دانشگاه امسال را خروجی تغییر چنین فرهنگی بدانیم که وضعیت معیشتی و عدم توازن بازار کار و فارغ‌التحصیلان بیکار؛ بسیاری از خانواده‌ها را به این نتیجه رسانده است؛ آنچه اهمیت دارد نه مدرک که مهارت است.



پرسه

جراحی دکتر چمران بدون بیهوشی

دکتر منوچهر دوائی که همین چند هفته گذشته جامعه پزشکی ایران او را از دست داد، یکی از نخبگان و البته یکی از وطن‌دوست‌ترین نخبه‌های این سرزمین بود. نخبه پزشکی که در برهه‌های مختلفی، وطن دوستی‌اش را اثبات کرد. در کوران جنگ‌تحمیلی ایستاد و از دانش بی‌مرزش در راستای درمان مجروحان استفاده کرد. پزشکی که شاید بسیاری از ما نام او را هم نشنیده‌باشیم اما به این شهره بود که او دکتر چمران را بدون بیهوشی جراحی کرده‌است. او از استادان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بود و تخصصش جراحی با گرایش جراحی اطفال، جراحی سرطان و جراحی دستگاه گوارش بود. مراسم تکریم او توسط بنیاد نخبگان استان خوزستان با حضور چهره‌های علمی-فرهنگی کشور، شاگردان ایشان و استعدادهای برتر در سال ۱۳۹۶ برگزار و لوح ارج نامه بنیاد ملی نخبگان به ایشان اهدا شد.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد زیر را اسکن کنید



مشکلات زائران عشق

فاصله نزدیک به یک ماه مانده به اربعین برخی از مشکلات پیش‌روی زائران همچنان وجود دارد. از گرانی بلیت که بگذریم -که البته جام‌جم دیروز در گزارشی به برخی از وجوه آن پرداخت -باید به برخی دیگر از مشکلات زائران این راه توجه ویژه‌ای کرد. هر چند امسال هم برخی معتقدند مدیریت پیاده‌روی اربعین را باید همچون برگزاری مراسم محرم به مردم واگذار کرد و با این رویه مشکلات مردم از جمله نگرانی از بابت ثبت نام اربعین حل می‌شود اما همین دیروز رئیس سازمان حج و زیارت اعلام کرد تا چند روز مانده به اربعین هم ثبت نام زائران را ادامه می‌دهیم. به گفته او تا دیروز بیش از یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر در سامانه سماح برای حضور در پیاده‌روی اربعین ثبت نام کرده بودند.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد زیر را اسکن کنید



چرا تخت جمشید دچار آب‌گرفتگی نشد؟

پس از گذر از روزهای سیلابی در چند استان ایران از جمله ویدئوی پربازدید در این حوزه، ویدئوهایی بود مربوط به مدیریت سیلاب در سازه‌های تاریخی از جمله تخت جمشید. حتی یکی از این ویدئوها مربوط به هدایت سیلاب در کانال بزرگراه شهید باکری بود، این‌که این سیلاب بدون هیچ خطری در کانال این بزرگراه در حرکت بود. در میان همه این ویدئوها اما تصاویر مربوط به سازه تخت جمشید با مهندسی معماری هزاران ساله، مورد توجه بسیاری از کاربران قرار گرفت. با این سؤال مهم که چگونه مدیریت بحرانی همچون سیل برای یک سازه تاریخی لحاظ شده‌است و صدحیف که این دانش امروزه با توجه به مخاطرات سیلاب و زلزله به کار بسته نمی‌شود. سؤال این است؛ چرا تخت جمشید دچار آب‌گرفتگی نشد؟ در این فیلم دلایلی که باعث شد در سیل‌های اخیر، این سازه دچار آب‌گرفتگی نشود را می‌توانید مشاهده کنید.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد زیر را اسکن کنید

پیشنهاد روز

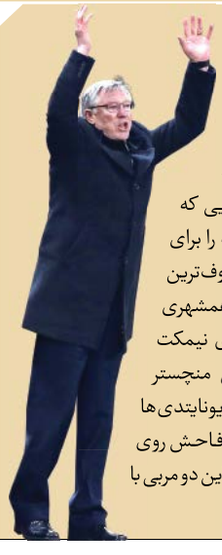
باشگاه مشت‌زنی

نگاهی به برخی از دعواهای مربیان لیگ برتر انگلیس

حواشی بازی دربی تاتنهام و چلسی که شنبه شب برگزار شد همچنان ادامه دارد، فارغ از خود بازی که به باور هر فوتبال‌دوستی، مهیج و جذاب بود و در نهایت در یک بازی پرگل با تساوی دو بر دو به اتمام رسید دعوای مربیان تیم‌ها پس از اتمام بازی هم بسیار مورد توجه قرار گرفت آنقدر که هنوز هم یکی از بحث‌های پرتکرار کاربران را تشکیل می‌دهد. اما این موضوع حداقل در لیگ برتر انگلیس تازگی ندارد تا دلتان بخواهد از این برخوردها در طول چند سال اخیر شکل گرفته‌است. برخی معتقدند نوع جانمایی نیمکت تیم‌ها در ورزشگاه‌های انگلیس که در فاصله چند قدمی یکدیگراست یکی از دلایل افزایش تنش میان کادر مربیان تیم‌هاست. این فاصله در کشورهای دیگری بسیار بیشتر از ورزشگاه‌های انگلیس است و همین فاصله باعث کاهش تنش میان کادر فنی تیم‌ها می‌شود اما خب افرادی هم که اتفاقا کم هم نیستند معتقدند همین اتفاق یک ویژگی جذاب برای تماشاگران این ورزش در لیگ برتر است.

مانچینی - فرگوسن

آن چهره جنتلمن و آرام سرالکس فرگوسن را از ذهن‌تان بیرون کنید که او پای ثابت دعواهای مربیان بوده‌است. او حتی بیرون از زمین هم با طعنه‌هایی که به مربیان حریف می‌زد به نوعی زمینه را برای تنش‌های داخل زمین فراهم می‌کرد. معروف‌ترین دعوای او اما با مربی وقت تیم همشهری یعنی مانچینی بود که آن روزها روی نیمکت منچسترسیتی می‌نشست. در دربی منچستر در ورزشگاه اتحاد در سال ۲۰۱۲ وقتی یونایتدی‌ها یک بر صفر عقب بودند یک خطای فاحش روی «دنی ولبک» باعث دست به یقه شدن این دو مربی با یکدیگر شد.



خوزه مورینیو - آرسن ونگر

اما مگر می‌شود حرف از یقه‌گیری در کنار زمین فوتبال بشود و نام خوزه مورینیو به میان نیاید؟ اغراق نیست بگوییم می‌توان یک پرونده مجزا از رفتارهای عجیب مورینیو روی نیمکت تیم‌هایش تهیه کنیم اما معروف‌ترین دعوای او کنار زمین مربوط به بازی چلسی تحت هدایت او و آرسنال تحت هدایت آرسن ونگر است. سال ۲۰۱۴ در ورزشگاه استمفوردبریج، ونگر از تکل گری کیهیل روی الکسیس سانچز عصبانی شد و از ناحیه فنی خود به سمت مورینیو رفت و البته قبل از این‌که ونگر او را هل دهد، مورینیو این کار را کرد! یقه‌گیری مورینیو با کونته هم از دیگر دعواهای معروف است که خب از آن می‌گذریم.



یورگن کلوپ - مایکل آرتتا

یکی از دعواهای اخیر لیگ برتر هم مربوط به سال گذشته است. این بار هم پای تیم‌های بزرگ در میان است و همین نکته هم جالب توجه است که بیشترین دعواهای مربیان در کنار زمین مربوط به شش تیم بزرگ لیگ برتر است. این بار، یک پای دعوا یورگن کلوپی است که حسابی دل هواداران لیورپول رو برده‌است. ماجرای این درگیری هم از یک خطا آغاز شد. بازی آرسنال و لیورپول در آنفیلد رویارویی یورگن کلوپ و مایکل آرتتا. درست درزمانی که آرسنال در بازی دست بالا را داشت، سرمربی این تیم از تکل سادیو مانه روی تومیاسو عصبانی شد و این عصبانیتش را سر سرمربی آلمانی لیورپول خالی کرد. آن‌قدر که در میانه بازی مجبور شدند همراهان این دو آنها را جدا کنند.



آنتونیو کونته - توماس توخل

اما بدون شک ماجرای توخل، سرمربی چلسی و آنتونیو کونته سرمربی تاتنهام از جمله ماجراهایی است که در تاریخ لیگ برتری تکرار خواهد ماند. چراکه این دو تازه بعد از سوت پایان بازی با یکدیگر درگیر شدند و این درگیری پیش چشم هواداران حاضر و دوربین‌های تلویزیونی ثبت شد. این تنش از ابتدای بازی و بر سر هر چهار گل تیم‌ها وجود داشت و حتی پس از گل تساوی تاتنهامی‌ها یک بار این دو مربی با یکدیگر دست به یقه شده بودند. اظهارنظر یک بوکسور معروف هم جالب توجه است که گفته شرط می‌بندند اگر هر دوی آنها در رینگ با یکدیگر روبه‌رو شوند توخل آلمانی، حریفش را ناک‌اوت خواهد

